

اشاره:

به عقیده کارشناسان اقتصادی، گسترش و تعمیق فرهنگ صادرات در میان مردم در جوامع روبه‌رشد، از عوامل مهم برای اتخاذ، پیگیری و اثربخشی الگوی توسعه صادرات می‌باشد.

آن‌ها بر این باور هستند که هراندازه فرهنگ صادرات در میان قشرهای مختلف مردم به‌ویژه جوانان رسوخ کند، می‌توان به آینده صادرات و رشد مستمر آن امیدوار بود و در نتیجه زمینه مساعد برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار فراهم می‌آید.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» این بار به میان مردم رفت و در گفت‌وگو با آن‌ها، نحوه تفکرشان نسبت به صادرات غیرنفتی به‌ویژه صدور محصولات صنعتی را جویا شد.

گزارش حاضر، ماحصل این گفت‌وگوها می‌باشد. باهم این گزارش را می‌خوانیم.

# تعمیم فرهنگ صادرات در میان مردم

## همه می‌دانند روزی نفت تمام خواهد شد

خانم فرزانه کریمی که خود را لیسانسیه پرستاری معرفی می‌کند، درباره صادرات غیرنفتی می‌گوید: تا آن‌جا که از تشریح نقطه‌نظرات کارشناسان اقتصادی و مسؤولان کشور در رسانه‌های جمعی برمی‌آید، صادرات کالاهای غیرنفتی برای اقتصاد ایران ضروری است.

تصور می‌کنم که با محدود بودن منابع نفت کشور و افزایش روزافزون مصرف آن در داخل، تا چند سال دیگر نفتی برای صادرات و به‌دست آوردن درآمد ارزی باقی نخواهد ماند. بنابراین تلاش برای صادرات کالاهای غیرنفتی لازم است.

وی گفت: کشورهای شرق آسیا که اکنون از رشد اقتصادی بالایی برخوردار شده‌اند، با وجود آن‌که محصولات ژاپنی را مشابه‌سازی می‌کنند، اما توانسته‌اند کالاهای بسیاری به‌ویژه محصولات برقی را تولید و با قیمت ارزان‌تر به بازارهای دنیا صادر کنند و درآمد ارزی مناسبی به‌دست آورند. درحالی که این کشورها به منابع زیرزمینی که ایران از آن برخوردار است، دسترسی ندارند.

وی افزود: بنابراین اگر قصد و عزم ملی بر این پایه واقع شود که صادرات غیرنفتی افزایش یابد و دولت و مسؤولان نظام نیز زمینه‌های لازم را فراهم کنند، به‌طور قطع و یقین ظرف یک دوره ده ساله، ایران می‌تواند از صادرکنندگان عمده برخی کالاهای صنعتی باشد.

وی درباره گسترش و تعمیق فرهنگ صادرات در جامعه



اظهار داشت: متأسفانه در جامعه ایران این فرهنگ برای مردم جانفیتاده است. با وجود آنکه مردم در سخت‌ترین شرایط دوران جنگ تحمیلی را پشت‌سر نهاده‌اند، اکنون حاضر نیستند، دشواری‌های دوران توسعه و سازندگی را با صبر و درایت پشت سر گذارند.

وی گفت: این گناه برنامه‌ریزان اقتصادی و مسؤولان نظام است که فرهنگ صرف‌جویی در مصرف و الگوی صحیح مصرف را در میان مردم معرفی و ترویج نکرده‌اند. اکنون شاهد هستیم که مصرف‌گرایی به‌سرعت در جامعه ایرانی رسوخ کرده است.

○ تلاش برای صادرات غیرنفتی لازم است، زیرا با محدود بودن منابع نفت و مصرف روزافزون آن در داخل، تا چند سال دیگر نفتی برای صادرات و کسب درآمد ارزی باقی نمی‌ماند.

درحالی که در کشورهای صاحب صنعت جهان مانند ژاپن فرهنگ مصرفی مردم، فرهنگی صحیح است. از سوی دیگر جلوگیری از تولید و عرضه کالاهای غیراستاندارد و بسته‌بندی نشده در این‌گونه کشورها سبب می‌شود که مردم مصرف صحیحی داشته باشند. درحالی که تولیدات غیراستاندارد و بسته‌بندی نشده (یا بسته‌بندی‌های غیراستاندارد و غیربهداشتی) در بازار ایران عرضه می‌شود و مصرف‌کننده ناگزیر است بهای بیشتری نیز به‌لحاظ طول عمر کوتاه کالاها یا اتلاف و خرابی آن‌ها، بپردازد. در نتیجه مصرف در ایران در سطحی بالا و پسانداز کم است.

آقای رضا صفایی کارگر یکی از واحدهای تولیدی بزرگ کشور به خبرنگار ما گفت: مسؤولان کشور در بازدید از کارخانه‌ها بارها تأکید می‌کنند که مدیران واحدها باید برای رشد صادرات غیرنفتی تلاش کنند. با وجود آن‌که تلاش زیادی برای این امر صورت می‌گیرد، اما توفیقی به‌دست نیامده است. وی گفت: سال‌هاست که در کارخانه‌های مختلف کار کرده است. اما در این محل‌ها مشاهده کرده است که اتلاف منابع و ضایعات کالا معمولاً زیاد است.

تولیدکننده هزینه تولید را با ضایعات محاسبه و قیمت کالا را تعیین می‌کند. به همین دلیل قیمت‌ها بالا است و تولیدات ایرانی، مشتری خارجی پیدا نمی‌کند.



بخشی از مباحث اقتصادی که به ریشه‌های فرهنگی نیاز دارد، از دوران دبستان به کودکان آموزش داده می‌شود. به همین جهت این کودکان در آینده نیز تلاش برای رشد صادرات ملی را وظیفه خود می‌دانند و به نوعی به بازرگانی خارجی علاقه پیدا می‌کنند. زیرا تصور می‌کنند که با صدور هر کالایی نام کشورشان در دیگر نقاط جهان برای مردم جا می‌افتد و آشنا تلقی می‌گردد.

اما در کتب درسی دبستانی، چیزی درباره فرهنگ مصرف و صادرات، منافع عام و آینده‌نگری برای اقتصاد کشور، به کودکان آموزش داده نمی‌شود.

وی معتقد است که در سنین کمتر از ۱۰ سال، بچه‌ها به شدت به آنچه می‌آموزند، پایبند می‌شوند و اگر دولت برنامه رشد صادرات غیرنفتی، صرفه‌جویی در مصرف و خلاصه هر آنچه که به ریشه فرهنگی نیاز دارد در کتب درسی دبستانی بگنجانند و معلمان در آموزش واقعی این موارد به بچه‌ها تلاش کنند، فرهنگ لازم در میان نسل آینده ریشه و پایگاه پیدا می‌کند.

خانم فولادی معتقد است که در تمام زمینه‌ها، ارایه خطوط اصلی اهداف و برنامه‌ها به مردم و دست‌اندرکاران امور تولیدی - تجاری، لازم است. باید جامعه را برای یاری رساندن به دولت در پیاده کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی پیوسته تربیت کرد و شوق همیاری برای توفیق‌های اقتصادی را در مردم زنده نگاه داشت.

وی گفت: متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد چنین چیزی نیستیم. درحالی که مردم ما همان مردم انقلابی بهمن ۵۷ و همان ایثارگران جبهه و جنگ هستند که از هیچ تلاشی برای حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و استقلال و تمامیت ارضی کشور کوتاهی نکرده‌اند.

وی افزود: اگر امروزه شاهد اختلاف‌های طبقاتی، مصرف‌گرایی در جامعه و ... هستیم، این حاصل قصور در حفظ و احیای ارزش‌های انقلاب و کوتاهی در زنده نگاه داشتن شور و اشتیاق ملی برای توسعه و سازندگی است.

### ○ مدیران کارخانه‌ها باید جلوی ضایعات را بگیرند، قیمت تولیدات را کاهش دهند و برای صادرات کالاها تلاش کنند.

وی با اشاره به فعالیت‌های مثبت و سازنده دولت گذشته

این کارگر با اشاره به وجدان کاری و انضباط اجتماعی که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید کرده است، گفت: متأسفانه این موارد در محیط‌های تولیدی چندان مورد توجه نیست و به همین دلیل بهره‌وری پایین است.

### ○ اگر قصد و عزم ملی برپایه رشد صادرات غیرنفتی باشد و مسؤولان کشور زمینه‌های لازم را برای آن مهیا سازند، به یقین ظرف ده سال، ایران می‌تواند صادرکننده برخی کالاهای صادراتی باشد.

گاهی نیز به دلیل دیر رسیدن برخی قطعات یا از کارافتادن بخشی از دستگاه‌ها، کار تعطیل می‌شود. تمام این موارد سبب می‌شود که قیمت کالاهای ایرانی بیش از تولیدات خارجی باشد. خریداران خارجی نیز قیمت‌ها را با توجه به کیفیت کالاها مقایسه می‌کنند و در نتیجه کمتر به خرید تولیدات ایرانی رغبت نشان می‌دهند.

وی گفت: در کارخانه‌هایی که به نوعی به دولت وابسته‌اند، نیروی انسانی مازاد نیز وجود دارد و مسؤولان دقت زیادی روی افراد و نیروی انسانی ندارند.

وی می‌گوید: مدیران کارخانه درحد فروش تولیدات در بازار داخلی و به اصطلاح چرخاندن چرخ کارخانه راضی هستند و کسی به فکر صادرات نیست.

وی افزود: مردم نیز زمانی که عرضه برخی کالاها در بازار کم و قیمت آن افزایش می‌یابد به ضرورت صادرات غیرنفتی فکر نمی‌کنند. اگر دولت قیمت‌ها را تثبیت کند و با برنامه‌ریزی مناسب، عرضه داخلی را منظم نماید، مجبور نخواهد شد که در پاره‌ای موارد، صادرات برخی کالاها را که شروع شده، ممنوع کند.

خانم فولادی که خود را معلم معرفی می‌کند، درباره تعمیق و گسترش فرهنگ صادرات در جامعه به خبرنگار ما گفت: جامعه ایرانی این فرهنگ را ندارد. برای مثال زمانی که صادرات فرش افزایش می‌یابد، قیمت آن در بازار داخلی ترقی می‌کند و از آن جا که هیچ نظارت درستی بر قیمت‌ها اعمال نمی‌شود، مردم از صادرات خشنود نیستند و تا زمانی که اینچنین وضعیتی در بازار وجود دارد، فرهنگ صادرات ریشه در اخلاق مردم پیدا نمی‌کند.

وی گفت: تصور می‌کنم در کشورهای صنعتی پیشرفته،

می‌کند. ارزش‌های انقلاب به فراموشی سپرده می‌شود و حرکت‌های جامعه به جای قسط و عدالت اجتماعی به سوی سرمایه‌داری و پیامدهای ناگوار این نظام اقتصادی سوق پیدا می‌کند.

○ اگر دولت مقوله‌های صادرات، مصرف و... که به ریشه‌های فرهنگی بستگی دارد را در کتب دبستانی بگنجانند و معلم‌ها در تفهیم این موارد به دانش‌آموزان تلاش کنند، فرهنگ لازم در نسل آینده رشد پیدا می‌کند.

وی برای توسعه فرهنگ صادرات و گسترش واقعی صادرات غیرنفتی، ارایه الگوی صحیح مصرف به جامعه، تلاش برای نشان دادن اهمیت رشد صادرات غیرنفتی برای تأمین رفاه نسل آینده و... را ضروری می‌داند.

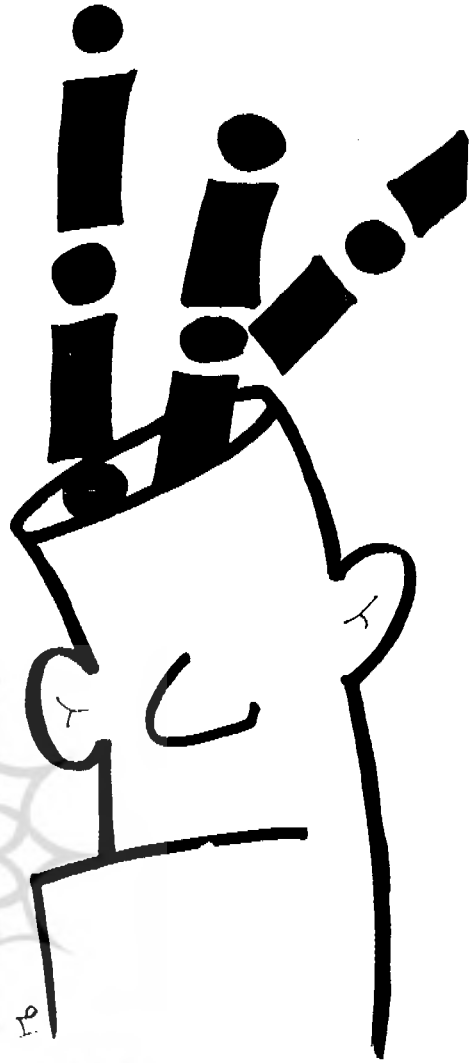
آقای حسن دهقانی‌پور کارشناس ارشد بانک نیز در گفت‌وگو با خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» اظهار داشت: برای گسترش صادرات غیرنفتی، تلاش، همیاری و هماهنگی بخش خصوصی و دولت، ضروری است.

دولت باید زمینه‌های قانونی لازم و مراودات خارجی را سامان دهد و صادرکنندگان نیز در راه بازاریابی و تبلیغات کالاهای ایرانی تلاش بیشتری به عمل آورند.

وی گفت: متأسفانه فرهنگ صادرات سال‌هاست که از میان مردم بیرون رفته است. با روند کنونی، تا زمانی که نفتی از چاه‌ها خارج و صادر شود و ارز موردنیاز کشور، کمابیش تأمین گردد، این فرهنگ جایگاهی در جامعه ایران نخواهد داشت.

وی با اشاره به میزان سرانه واردات و صادرات غیرنفتی ایران، گفت: در جوامعی که صادرکننده کالا هستند، دست‌کم این توازن در تراز تجارت به چشم می‌خورد. این کارشناس معتقد است که الگوی مصرف در ایران تعریف نشده است. درحالی که زیاده‌روی‌های بی‌مورد وجود دارد، کسی در فکر رشد بهره‌وری، آموزش ضرورت صادرات غیرنفتی و... نیست.

وی گفت: مردم تصور می‌کنند که مازاد تولیدات کالاهای داخلی باید صادر شود و تا زمانی که جامعه به این تولیدات نیاز دارد، نباید اجازه صدور آن داده شود. دولت نیز تاکنون در



برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌های اقتصادی گفت: در سال‌های پیش دولت برنامه‌هایی را دنبال می‌کرد که بیشتر نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عمومی بود، اما اینک برای ادامه روند توسعه اقتصادی باید نقش مشارکت‌های مردمی و بخش خصوصی را احیا کرد.

○ زمانی که عرضه کالایی در بازار داخلی کم می‌شود و قیمت آن افزایش می‌یابد، مردم از مسؤولان توقع دارند که جلوی صادرات آن کالا را بگیرند و مسؤولان نیز چنین می‌کنند، اما با این شیوه فرهنگ صادرات در جامعه ریشه پیدا نمی‌کند.

اگر نظارت و دقت کافی در تربیت اجتماعی و هدایت امور صورت نگیرد، ریشه‌های فساد و ضدارزش در جامعه رشد

زمینه ضرورت تغییر این تفکر کاری انجام نداده است.

## ○ اختلاف طبقاتی، مصرف‌گرایی و پدیده‌های نظیر آن حاصل‌قصور در حفظ ارزش‌های انقلاب و زنده نگه‌داشتن شور ملی برای توسعه و سازندگی است.

با این تفکر اجتماعی نمی‌توان صادرات غیر نفتی را رشد داد. در همین حال صادرکننده در جامعه ایرانی ارج و ارزش واقعی و جایگاه مناسب خود را ندارد. دولت نیز به انواع روش‌ها تلاش می‌کند که دست‌وپای صادرکنندگان را ببندد.

این کارشناس معتقد است که حمایت واقعی از صادرات از طریق آزادسازی تجاری، تدوین و اجرای قوانین محکم و با ثبات برای صادرات و تفهیم ضرورت صادرات برای رفع نیازهای ملی و رشد اشتغال در جامعه به مردم، میسر می‌گردد.

وی گفت: ضرورت دارد که الگوی مصرف به‌طور واقعی تدوین و به جامعه ارایه شود. مردم باید بدانند که در واقع به چه کالاهایی نیاز دارند. با احترام به مصرف‌کننده داخلی، کالاهای استاندارد و با کیفیت مناسب و طول عمر کافی به بازار داخلی عرضه شود، تا مصرف به‌تدریج تعدیل گردد.

با روند کنونی و رشد جمعیت هر روز منابعی که می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای صادراتی شود، کمتر می‌گردد و قدرت تولید این کالاها کاهش می‌یابد.

این کارشناس می‌گوید: کالاهای صنعتی که در کشور تولید می‌شود، کیفیت انواع مشابه خارجی را ندارد. اگر واقعاً موانع تجاری (تعرفه‌ها و محدودیت‌ها) حذف گردد و نرخ ارز نیز واقعی باشد، آنگاه مشخص می‌گردد که بسیاری از تولیدات صنعتی کشور، قدرت رقابت ندارند.

در حال حاضر دستمزد واقعی به کارگران در ایران پرداخت نمی‌شود. انرژی، آب و... بسیاری خدمات به قیمت واقعی به تولیدکنندگان عرضه نمی‌شود و... با این وجود بهای تولیدات ایرانی با نرخ ارز واقعی به مراتب بیش از انواع مشابه خارجی است.

وی علت این امر را در پایین بودن میزان بهره‌وری، استفاده نادرست از امکانات تولیدی، هزینه‌های غیر ضروری و سربار در تولید و... دانست و افزود: با این شرایط، حمایت از تولیدات داخلی، ظلم به مصرف‌کنندگان می‌باشد.

این‌گونه حمایت‌ها، هرگز راه به‌جایی نمی‌برد. حمایت واقعی که در بسیاری از کشورها وجود دارد، برای صنایع نوپا و از طریق ارایه تسهیلات بانکی با نرخ ارزان، معافیت‌های مالیاتی و... است و برای مدت محدودی ارایه می‌شود تا صنعت بتواند قدرت رقابت خود را به‌دست آورد و بتدریج با عرضه کالاهای قابل‌رقابت در بازارهای داخلی و خارجی، روی پای خود بایستد.

سال‌هاست که شاهد حمایت از صنایع نساجی کشور هستیم. این صنایع قدمتی در حدود نیم‌قرن دارد و هنوز سرپا نیست و قادر نمی‌باشد تولیدات با کیفیت خوب و صادرات مناسبی داشته باشد. رشد صادرات پوشاک در سال‌های اخیر نیز از طریق واردات پارچه، طراحی و دوخت ایرانی به‌دست آمده است.

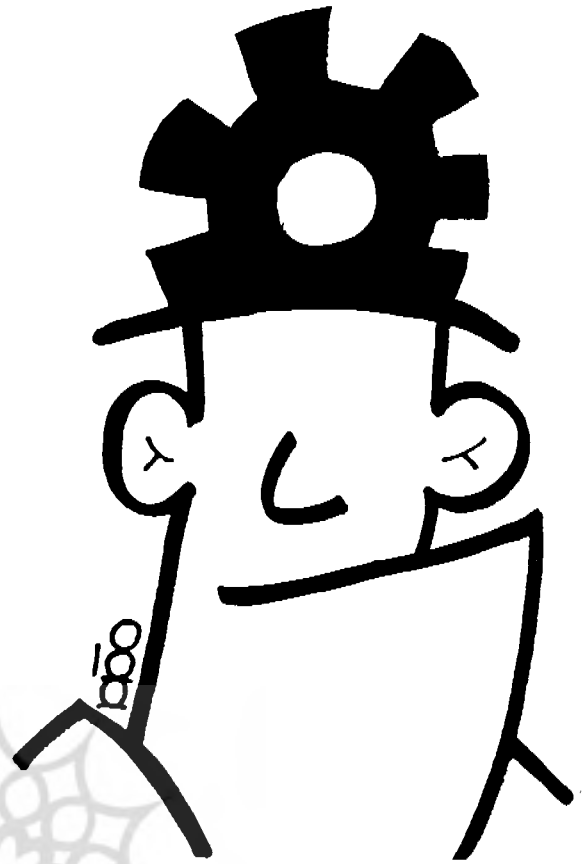
وی با اشاره به ضرورت آزادسازی تجاری و گسترش فرهنگ صادرات در جامعه گفت: مردم باید بدانند که منابع نفت محدود هستند. نسل آینده برای تأمین نیازمندی‌های خود به ارز احتیاج دارد و اگر امروز تولیدات ملی وارد بازار جهانی نشود و زمینه رشد صادرات فراهم نگردد، در بیست سال آینده نمی‌توان راه به‌جایی برد.

در این صورت فرزندان و نوادگان نسل کنونی در فقر و تنگدستی زندگی خواهند کرد. رسانه‌های گروهی و وظیفه دارند، حقایق را به مردم بگویند و آن‌ها را برای پیشبرد اهداف جامعه که به‌طور عمده در برنامه‌های اقتصاد بدون نفت و فقرزدایی تجلی می‌کند، آماده سازند.

یک نوجوان دبیرستانی که کفش خارجی به‌پا دارد، در گفت‌وگو با خبرنگار ما اظهار داشت: در رادیو و تلویزیون بحث‌هایی در زمینه صادرات غیر نفتی پخش می‌شود، اما علاقه‌ای به دنبال کردن این مباحث ندارم.

سعید رحمانی‌نیا اظهار داشت: البته خیلی خوب است که کشور ما نیز صادرکننده کالاهای صنعتی باشد و برچسب Made In Iran را باخود به گوشه و کنار جهان ببرد تا مردم دنیا بدانند که ایرانی‌ها نیز قادر هستند غیر از نفت کالاهای دیگری بسازند و آن را صادر کنند.

## ○ فرهنگ صادرات سال‌هاست از بین مردم بیرون رفته و با روند کنونی تا زمانی که نفت از چاه‌ها بیرون می‌آید این فرهنگ گسترش و تعمیق نمی‌یابد.



اما تصور نمی‌کنم که چنین امر روزی رخ دهد، زیرا کیفیت و دوام کالاهای ایرانی کم است. حتی مردم ما نیز اگر پول بیشتری داشته باشند، ترجیح می‌دهند جنس خارجی که از زیبایی و دوام بیشتری برخوردار است، خریداری کنند.

وی درباره البسه و کفش خارجی خود می‌گوید: اگرچه این اجناس گران‌تر از تولیدات خودمان است، اما رنگ‌آمیزی، زیبایی و دوام بیشتری دارد و تصور می‌کنم خرید جنس خارجی به صرفه باشد.

تی‌شرت‌های ایرانی پس از دو بار شستن از رنگ‌وروی می‌روند و جوانان خجالت می‌کشند این لباس‌ها را بازهم به تن کنند. به همین دلیل بسیاری از جوانان از خانواده‌های خود می‌خواهند که جنس خارجی برایشان بخرند.

○ اگر موانع تجاری (برای واردات) برداشته شود، خدمات و ارز به نرخ واقعی به تولیدکنندگان عرضه شود، معلوم می‌شود که بسیاری از تولیدات کشور فاقد قدرت رقابت در عرصه خارجی است.

از وی درباره صادرات کفش و لباس‌های ایرانی سؤال

می‌شود، می‌گوید: حتماً تولیدات ما را کشورهای فقیرتر از خودمان خریداری می‌کنند.

یادآوری می‌شود که اتفاقاً برخی از خریداران البسه و پوشاک ایرانی، آلمانی هستند، می‌گوید: شاید این تولیدات که باید کیفیت و زیبایی و دوام مناسبی داشته باشد، در بازار داخلی عرضه نمی‌شود.

خانه‌دار را گرفتار می‌کنند. زیرا باید هر هفته و گاهی هفته‌ای دوبار یخچال را تمیز کنند.

درحالی که یخچال‌های خارجی این مشکل را ندارند. از وی پرسیدم برای جهیزیه خود ترجیح می‌دهی که یخچال ایرانی داشته باشی یا خارجی؟

پاسخ داد می‌دانم که تمایل زیاد به مصرف کالاهای خارجی، نوعی غرب‌زدگی است و این موضوع پسندیده نیست، اما اگر پول کافی در اختیار داشته باشم و بخواهم یخچال برای یک عمر خریداری کنم، بهتر است یخچال خارجی بخرم. در این صورت مجبور نخواهم بود که ۵ تا ۱۰ سال بعد، یخچال دیگری بخرم و یا با مشکلات یخچال‌های ایرانی بسازم.

وی درباره استفاده از پوشاک خارجی گفت: والدین درآمد محدودی دارند. آن‌ها که والدینشان پول زیادی درمی‌آورند، پوشاک خارجی استفاده می‌کنند و به دوستان خود نیز به‌قول معروف پز لباس‌های خارجی خود را می‌دهند. اما آن گروه که درآمد خانواده‌شان اجازه نمی‌دهد معمولاً از پوشاک ایران استفاده می‌کنند.

من ترجیح می‌دهم که از پوشاک ایرانی استفاده کنم و بیهوده به خانواده‌ام فشار نیاورم. اما تولیدکنندگان نیز باید منصف باشند و کالای خوبی به‌دست مشتری بدهند.

از وی درباره ضرورت صادرات غیرنفتی پرسیدم، گفت: البته نفت ایران محدود است و دیر یا زود باید از صدور نفت خام پرهیز کرد. شاید روزی هم بیاید که نفتی برای صادرات نباشد. در این صورت مردم ناگزیر هستند که برخی کالاها را صادر کنند تا بتوانند برخی کالاهای دیگر که قادر به تولیدشان نیستند را وارد نمایند.

از این نوجوان پرسیدم که آیا در کتب درسی درباره صرفه‌جویی در مصرف و یا صادرات چیزی آمده است، گفت: در رشته بازرگانی یا علوم انسانی (اقتصاد) از این مباحث هست، اما در کتاب‌های درسی رشته‌های دیگر کمتر از این موارد به چشم می‌خورد، مردم اقتصاد را در عمل یاد می‌گیرند، همه در کتاب‌ها نمی‌خوانند.

مشکل از آن‌جا آغاز می‌شود که جوانان از دواج می‌کنند و باید بتوانند با درآمد محدودی، اجاره‌خانه، خوراک و پوشاک و ... را تهیه کنند و به‌تدریج یاد می‌گیرند که چگونه اقتصادی زندگی کنند.

سؤال می‌شود به نظر شما صحیح نیست که در بازار داخلی عرضه نشود، پاسخ می‌دهد: اشکالی ندارد که کالاهای خوب صادر شود. زیرا اگر صادرات کشور کیفیت خوبی نداشته باشد، حتماً خریداران خارجی آن را پس می‌فرستند. همان‌گونه که بارها این کار را کرده‌اند. اما مصرف‌کننده داخلی چه گناهی دارد که باید محصول بد را با قیمت گزاف بخرد و متضرر شود. در این صورت همیشه تقاضا برای کالاهای خارجی مشابه هست و بخشی از ارز مملکت صرف واردات کالاهایی می‌شود که امکان تولیدشان با کیفیت خوب در کشور وجود دارد. این وظیفه دولت است که از فعالیت کارخانه‌هایی که محصول نامناسب به بازار داخلی عرضه می‌کنند، جلوگیری کند. به‌رحال صرفه‌جویی ارزی نیز تأثیری مثل صادرات برای اقتصاد کشور دارد.

از این نوجوان سؤال می‌شود که آیا دوست دارد یک صادرکننده باشد، گفت: البته، زیرا صادرکننده با مشتریان خارجی در تماس است و تلاش می‌کند که بهترین کالاهای تولیدی کشور را به بازار خارجی عرضه کند و خود نیز درآمد مناسبی به‌دست می‌آورد. اما تصور می‌کنم که حتی اگر رشته اقتصاد یا بازرگانی نیز بخوانم، نمی‌توانم صادرکننده خوبی باشم، زیرا تجارت شم خاصی می‌خواهد که هرکسی ندارد.

دخترخانمی که تازه دیپلم گرفته و روشنک امیدوار نام دارد به خبرنگار ما گفت: صادرات ایران محدود است. در خارج از کشور، ایران را به‌عنوان یک صادرکننده نفت می‌شناسند و نمی‌دانند که در ایران کالاهای صنعتی نیز تولید و صادر می‌شود.

وی درباره فرهنگ صادرات گفت: تاکنون چنین واژه‌ای را نشنیده‌ام، اگرچه در تلویزیون برنامه‌هایی درباره صادرات غیرنفتی و میزگره‌هایی در این زمینه پخش می‌شود، اما معمولاً جوانان تمایلی به تماشای این برنامه‌ها ندارند. آن‌ها برنامه‌های سرگرم‌کننده و تفریحی را دوست دارند.

○ رسانه‌های گروهی وظیفه دارند که حقایق را به مردم بگویند و آن‌ها را برای پیشبرد اهداف جامعه که به‌طور عمده در برنامه‌های اقتصاد بدون نفت و فقرزدایی تجلی کرده است، آماده کنند.

وی درباره استفاده از کالاهای خارجی گفت: معمولاً برخی از این کالاها کیفیتی به مراتب بالاتر از تولیدات داخلی دارند. مثلاً یخچال‌های ایرانی پیوسته برفک می‌زنند و خانم‌های